عباس علیزاده*

مردم و شیفتگی در باور به اراجیف

در سراسر جهان مردم عادی چنان عاشق شایعه و رمز و راز هستند که در باور به آنها حاضرند بخش پرسش‌کننده مغزشان را مهروموم کنند و هنگامی که خرافات با رنگ اعتقاد عنوان می‌شوند، آن بخش نفوذناپذیر می‌شود. مورد اخیر که توجه ساده‌لوحان را در سراسر جهان به خود معطوف داشته است، شایعه پیدائشن دو جسد مومیایی‌شده فرازمینی در پرو است که شارلاتانی به نام هوزه ماوسان (Mausan .J Jose) آن را در کنکره مکزیک به نمایش گذاشت.

ماوسان در فاش‌شدن نمونه‌ای به نام «مخلوق متیک» (Creature Metepec) را به مردم معرفی کرد که بعدا معلوم شد یک میمون پوست‌کنده است. در سال ۲۰۱۶ او موجودی دیگر با نام «پری- دیو» به نمایش گذاشت که معلوم شد بقایای خفاش، چوب، جسب و برخی دیگر از عناصر بود. در سال ۲۰۱۵ ماوسان در برنامه‌ای با نام «شاهد باش» از جسد مومیایی‌شده‌ای که ادعا می‌کرد یک کودک فرازمینی است، رونمایی کرد. در آزمایش‌های بعدی این جسد مومیایی‌شده یک کودک انسان شناسایی شد. در سال ۲۰۱۷ ماوسان در ویدئویی که توسط شرکت Gaia میزبانی شده بود، ظاهر شد که در آن یک جسد مومیایی را که ظاهرا در پرو کشف شده بود، نشان داد و ادعا کرد «یک بیگانه با سه انگشت» است. در ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۳ ماوسان جسدی دیگر به آن اضافه کرد و آنها را در کنکره مکزیک به نمایش گذاشت و درباره بشقاب‌پرنده‌ها «افشاگری» کرد. هدوئی این اجساد شبیه ای‌تی و فرازمینی‌های دیگر در فیلم‌های هالیوودی هستند.

ماوسان ادعا کرد که این اجساد مومیایی‌شده بودند که در یک معدن در شهر کوسکو، در نزدیکی خطوط نازکا، سنگ‌چین‌های عظیمی که برخی آنها را به فرازمینی‌ها نسبت می‌دهند، در پرو با قدمتی هزارساله کشف کرده است. ماوسان در گزارش خود ادعا کرد که دانشمندان دانشگاه ملی مکزیک به این نتیجه رسیدند که اجساد انسانی نیستند. اما جولیتا فیرو، محقق فیزیک آن دانشگاه اظهار کرد که دانشگاه هرگز چنین ادعایی را تایید نکرده است و ادعاهای ماوسان بی‌معنی‌اند و اینکه این اجساد یک حقه استادانه ساخته‌شده از استخوان انسان و حیوان است. حال جرا با کارنامه مشکوکی که ماوسان دارد، کنکره مکزیک به چنین خفتی تن داد، ناگشکار است. جلسه کنکره مکزیک با جلسه ۲۹ جولای کنکره آمریکا تفاوت داشت زیرا این جلسه درباره نگرانی امنیتی درمورد اشیائی بود که نیروی هوایی آمریکا گزارش کرده بود اما از ماهیت واقعی آنها ناآگاه بود، اگرچه در کنکره آمریکا نیز ابله، سادولوح و پیرو تئوری توطئه ناباب نیست.

حال بیاییم از نظر علمی این موضوع را بشکافیم. نخست باید بادآور شد که در علم ادعای خارق‌العاده نیازمند مدرک خارق‌العاده است و ادعای حضور فرازمینی‌ها و پرسه‌زدن روزانه آنها در فضای زمین بسیار خارق‌العاده است. باوجود این واقعیت که از نظر فیزیکی امکان‌پذیر است، پرتاب موشک از یک منظومه ستاره‌ای به منظومه دیگر مستلزم آن است که مسافران صبر ایوب داشته باشند یا اینکه طراحان فضاپیما بتوانند به نحوی ذخایر عظیم انرژی لازم برای عبور از فاصله سال‌های نوری را در زمان معقول تهیه کنند؛ ترجیحا قبل از مرگ خدمه. سریع‌ترین موشک‌های ناسا سرعتی حدود ۱۵ کیلومتر در ثانیه دارند. با این سرعت می‌توان در کمتر از سه دقیقه از تهران به استانبول رسید، یا در کمتر از هشت ساعت به ماه. اما استفاده از چنین موشک‌هایی برای بازدید از حتی نزدیک‌ترین منظومه‌های ستاره‌ای دیگر حدود ۸۰ هزار سال طول خواهد کشید.

البته می‌توان این سفر ۸۰ هزارساله را به ۱۰ سال کاهش داد اما برای رسیدن به آن سرعت چنین سفینه فضایی نیازمند انرژی برابر ۱۰۰ میلیون سوخت بیشتر از یک موشک ناسا است. این یک مشکل فیزیکی است، نه مهندسی و حل آن آسان نیست. حتی اگر این مشکل فیزیکی حل شود، سفر با سرعت بالا در فضا به‌معنای عبور از گرد و غبار براکنده در کهکشان ماست که هر تکه کوچکی را در آن سرعت تبدیل به گلوله‌هایی می‌کند که بدنه هر موشکی را سوراخ و به‌سرعت به زندگی سرنشینانش پایان می‌دهند. باورمندان به بشقاب‌پرنده این دشواری‌ها را کنار زده و ادعا می‌کنند که فرازمینی‌ها از فیزیکی استفاده می‌کنند که ما هنوز نمی‌دانیم و اینکه احتمالا بازدیدکنندگان فرازمینی دسترسی به چیزی شبیه به Warp drive دارند که می‌تواند با تاب‌دادن و پیچاندن زمان مکان مسافت‌های نوری را در زمانی کوتاه درنوردد. طبق نظر فیزیکدان‌ها، سفر با سرعت نور یا نزدیک به آن - یا حتی ایجاد شرایطی شبیه به پیچش زمان‌مکان برای بالابردن سرعت در عمل ناممکن است.

جدا از مشکل آمد و رفت، معمایی دیگر درباره فرضیه بشقاب‌پرنده وجود دارد که به‌ندرت به آن اشاره می‌شود: چرا موجودات فضایی الان، یعنی از سال ۱۹۴۷ که یک بالون نظامی در رازول در ایالت نیومکزیک سقوط کرد، آغاز شد؟ حادثه‌ای که برخی با این ادعا که سرنشینان آن فرازمینی بودند، شایعه‌سازی کردند. زمین تاریخی چهارمیلیارد‌ساله دارد و انسان هوشمند برای ۳۰۰ هزار سال است که تحول پیدا کرده است. پذیرفتن اینکه فرازمینی‌ها در تمام این مدت اینجا بوده‌اند، به هیچ وجهی پذیرفتنی نیست. درحال‌حاضر سالانه هزاران بشقاب‌پرنده فقط در ایالات متحده گزارش می‌شود اما اجرام سریع در آسمان تا پس از جنگ جهانی دوم گزارش نشده‌اند. چرا نسل پس از جنگ اولین و ظاهرا تنها نسلی است که مدعی وجود و دیدن موجودات فرازمینی است؟ شایعه‌پردازان عنوان می‌کنند که از زمان جنگ جهانی دوم و با توسعه رادیو FM و تلویزیون اطلاعات جامعه ما با سرعت نور در قلبا پراکنده شد و به همین دلیل فرازمینی‌ها از وجود ما آگاه شدند. اما این برای کسانی که ادعا می‌کنند اهرام مصر و برخی از سنگ‌چین‌های عظیم در آمریکای جنوبی توسط فرازمینی‌های ساخته شده، درست‌رساز می‌شود. جنبه آزاردهنده دیگر بدیده بشقاب‌پرنده این است که این بازدیدکنندگان خیالی درباره برنامه‌های سفر خود دقیق هستند و معمولا از ایالات متحده یا اروپای غربی «بازدید» می‌کنند و در این مناطق هم ترجیح می‌دهند بیشتر در نقاط کم‌جمعیت بیرون از شهرها رفت و آمد کنند. اما از این بدتر، عکس‌های مبهمی است که ارائه‌دهندگان آنها ادعا می‌کنند متعلق به بشقاب‌پرنده است. روزانه جیزی حدود شش میلیارد عکس در اینترنت آپلود می‌شود که بیشتر آنها تصاویر رنگی با وضوح بالا هستند؛ بنابراین بابد از این بشقاب‌های پرنده که در آسمان اروپا و آمریکای شمالی برای ربودن مردم پرسه می‌زنند، عکس‌های خوبی داشته باشیم اما این‌گونه نیست. تمام مدرکی که مدعیان وجود بشقاب‌پرنده و فرازمینی‌ها ارائه می‌کنند، همان عکس‌های مبهم و تار است. آیا به نظر شما این مدرکی خارق‌العاده است؟

*دکترای باستان‌شناسی، استاد مؤسسه خاورشناسی دانشگاه شیکاگو

سفال ساسانی در غرب و شمال غرب ایران

نسترن امانی‌نیو: هنر سفالگری یکی از برجسته‌ترین و ارزشمندترین هنرهایی است که در دوره ساسانی وجود داشته است. سفال‌ها در دوره ساسانی نشان‌دهنده قدرت و جایگاه هریک از اقشار جامعه بوده است و در هر طبقه‌ای اعم از اشراف‌زاده و مردم عادی نوع، جنس و تزئینات به‌کاررفته در ظروف سفالی متفاوت بوده است. هدف در این پژوهش شناخت شکل و فرم ظروف سفالی دوره ساسانی در منطقه غرب و شمال غرب، همچنین نوع کارکرد و مواد به‌کاررفته در ساخت آنهاست. سعی نگارنده بر آن بوده تا با تکیه بر مکتوبات دوره ساسانی به بررسی جامعی از سفال‌های این منطقه بپردازد. این پژوهش در یافته‌اندوزی از شیوه کتابخانه‌ای بهره برده و به صورت توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است؛ از جمله پرسش‌های مطرح‌شده در این پژوهش که شامل: چگونگی ساختار و فرم شکل‌گیری سفال‌های دوره ساسانی در منطقه غرب و شمال غرب، نوع مواد به‌کاررفته در آنها و همچنین کاربرد مختلف این ظروف سفالین است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که افراد از این نوع ظروف سفالین برای گذراندن امور روزمره زندگی استفاده می‌کردند و همچنین کارکرد تشریفاتی و مذهبی نیز داشته است. در این دوره سفال‌ها به صورت معمولی و لعاب‌دار رواج داشته‌اند و از شاموت‌های گیاهی و معدنی در ساخت آنها استفاده می‌شده است. سفال‌ها دارای شکل و فرم ظاهری مختلفی بودند که از جمله رایج‌ترین آنها کاسه، کوزه و خمره است.

تمدن ساسانی از جمله درخشان‌ترین ادوار ایران باستان به شمار می‌آید. از جمله ویژگی‌های این دوره باشکوه، اقتدار و نفوذ سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی آنان بر دیگر اقوام بود و همچنین تاثیر و تاثرات آنان درباره ملل کوناگون و حضور آنها در فلات ایران که موجب شکل‌گیری و ساخت آثار گران‌بهای هنری که از شاخص‌ترین آنها سفال‌ها هستند، شده است. با وجود محوطه‌های بسیار مهم دوره ساسانی در غرب و شمال غرب، به دلیل کمبود اطلاعات لایه‌نگاشتی و تمرکز باستان‌شناسان بر سایر یافته‌ها، ازجمله آثار معماری، دانسته‌های ما درباره سفال ساسانی این منطقه بسیار اندک است. با توجه به اینکه تاکنون در هیچ‌یک از محوطه‌های کاوش‌شده دوره ساسانی در این حوزه فرهنگی، مجموعه کاملی از سفال‌های ساسانی ارائه نشده. در بسیاری از بررسی‌های غرب و شمال غرب، شناسایی محوطه‌های ساسانی با مشکلاتی همراه بوده و معمولا پژوهشگران سفال‌های به‌دست‌آمده از محوطه‌های ساسانی و دوره قبل از آن را با عنوان کلی سفال‌های دوران تاریخی معرفی کرده‌اند. هدفی که در این پژوهش دنبال می‌کنیم، پی‌بردن به گونه‌های مختلف و طریقه ساخت و طبقه‌بندی حرفه‌ای از این سفال‌ها در منطقه موردنظر است. ازجمله بررسی‌هایی که در این پژوهش با آن مواجه هستیم، چگونگی ساختار و فرم شکل‌گیری سفال‌های ساسانی منطقه غرب و شمال غرب و نوع مواد به‌کاررفته و کاربرد مختلف این اشیا است. روش به‌کار برده در این پژوهش کتابخانه‌ای بوده و به صورت توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است.

پیشینه پژوهش

تاریخ‌نویسان و باستان‌شناسان غنوسا سفال‌ها را در هر دوره تاریخی به‌عنوان یک نمونه از اشیای یافت‌شده بررسی کرده‌اند. نگاه پژوهشگران اغلب توصیفی بوده و اکثرا آنها را به صورت تکی توصیف کرده‌اند و شکل و ساختار آنها به‌ویژه نقوشه ساختاری سفال‌ها که به صورت مستقیم روی کارکرد اثر می‌گذارد، مورد توجه قرار نگرفته است. در سال‌های اخیر مطالعات پراکنده‌ای درباره این اشیا انجام شده است که در میان این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله علمی علیرضا خورزاده با عنوان «توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوران اشکانی و ساسانی منطقه ماهنشان (نجران - خمسه‌وزاد، پی‌تا) که در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی منتشر شده، اشاره کرد. در این مقاله هدف مطالعه، طبقه‌بندی و توصیف سفال‌های ساسانی منطقه ماهنشان زنجان است که جزئی از محوطه‌های غرب و شمال غرب ایران به حساب می‌آید. اشاره به ویژگی‌های ظاهری سفال‌ها اصلی‌ترین اطلاعاتی است که می‌توان به دست آورد. لازم است به مقاله بهزاد جاوی با عنوان «بررسی و مطالعه سفال‌های ارائه‌شده دوره ساسانی در محوطه قلعه کوری رماوند» (جاوی، ۱۳۹۶)، یعقوب محمدی‌فر و عباس مترجم با عنوان «حولیان: دوره ساسانی است در آبادان ایلام» (محمدی‌فر، مترجم، ۱۳۹۰) و مقاله پژوهشی یونس یوسف‌وند و فرشاد مریمی با عنوان «کاغذکاری و تحلیل کاربری محوطه موسوم به قلعه سام در ولایت ایرانی ماسبذان استان ایلام» که در شماره ۴ مطالعات باستان‌شناسی منتشر شده است، اشاره کنیم. نتیجه این مطالعه ارائه طبقه‌بندی روشنی برای سفال‌های این دوره در منطقه غرب و شمال غرب ایران بر مبنای فرم ظاهری و شکل نهایی آنهاست.

سفال‌های ماهنشان

در بررسی سفال‌های ساسانی ماهنشان علاوه بر بررسی و مقایسه سفال‌ها با سفال‌های محوطه‌های کاوش‌شده در غرب و شمال غرب، سعی شده از یافته‌های سفالین دیگر مناطق کاوش‌شده تحت حکومت ساسانیان، از جمله شمال بین‌النهرین، مرکز و شمال شرق ایران نیز استفاده شود. از مهم‌ترین محوطه‌های کاوش‌شده دوره ساسانی که سفال‌های ماهنشان با یافته‌های سفالین آنها مقایسه شده، می‌توان به تخت سلیمان، قلعه یزدگرد، خوره، آشنکوه، تورنک‌قره، چال‌ترخان، تل ماهوز، تل ابوشریفه، کیش و بوقوتیات اشاره کرد. سفال‌های ساسانی ماهنشان به دو نوع معمولی و لعاب‌دار تقسیم می‌شود (خسروزاده، عالی، بی‌تا: ۴۹).

سفال‌های معمولی

خمیره سفال‌های معمولی به رنگ‌های نخودی، قرمز، قهوه‌ای، نخودی مایل به قهوه‌ای، قرمز نارنجی و نخودی مایل به قرمز است و اغلب سفال‌ها خمیره‌ای به رنگ قرمز یا نخودی دارند. از شاموت نرم و ریز و متوسط و کاهی درشت و خرده‌آهک در موارد بسیار کم از مواد گیاهی برای استحکام‌بخشی به گل سفال‌ها استفاده شده است. سفال‌ها عنوان کلی سفال‌های دوران تاریخی معرفی گردیده‌اند. هدفی که در این پژوهش دنبال می‌کنیم، پی‌بردن به گونه‌های مختلف و طریقه ساخت و طبقه‌بندی حرفه‌ای از این سفال‌ها در منطقه موردنظر است. ازجمله بررسی‌هایی که در این پژوهش با آن مواجه هستیم، چگونگی ساختار و فرم شکل‌گیری سفال‌های ساسانی منطقه غرب و شمال غرب و نوع مواد به‌کاررفته و کاربرد مختلف این اشیا است. روش به‌کار برده در این پژوهش کتابخانه‌ای بوده و به صورت توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است.

پیشینه پژوهش

تاریخ‌نویسان و باستان‌شناسان غنوسا سفال‌ها را در هر دوره تاریخی به‌عنوان یک نمونه از اشیای یافت‌شده بررسی کرده‌اند. نگاه پژوهشگران اغلب توصیفی بوده و اکثرا آنها را به صورت تکی توصیف کرده‌اند و شکل و ساختار آنها به‌ویژه نقوشه ساختاری سفال‌ها که به صورت مستقیم روی کارکرد اثر می‌گذارد، مورد توجه قرار نگرفته است. در سال‌های اخیر مطالعات پراکنده‌ای درباره این اشیا انجام شده است که در میان این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله علمی علیرضا خورزاده با عنوان «توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوران اشکانی و ساسانی منطقه ماهنشان (نجران - خمسه‌وزاد، پی‌تا) که در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی منتشر شده، اشاره کرد. در این مقاله هدف مطالعه، طبقه‌بندی و توصیف سفال‌های ساسانی منطقه ماهنشان زنجان است که جزئی از محوطه‌های غرب و شمال غرب ایران به حساب می‌آید. اشاره به ویژگی‌های ظاهری سفال‌ها اصلی‌ترین اطلاعاتی است که می‌توان به دست آورد. لازم است به مقاله بهزاد جاوی با عنوان «بررسی و مطالعه سفال‌های ارائه‌شده دوره ساسانی در محوطه قلعه کوری رماوند» (جاوی، ۱۳۹۶)، یعقوب محمدی‌فر و عباس مترجم با عنوان «حولیان: دوره ساسانی است در آبادان ایلام» (محمدی‌فر، مترجم، ۱۳۹۰) و مقاله پژوهشی یونس یوسف‌وند و فرشاد مریمی با عنوان «کاغذکاری و تحلیل کاربری محوطه موسوم به قلعه سام در ولایت ایرانی ماسبذان استان ایلام» که در شماره ۴ مطالعات باستان‌شناسی منتشر شده است، اشاره کنیم. نتیجه این مطالعه ارائه طبقه‌بندی روشنی برای سفال‌های این دوره در منطقه غرب و شمال غرب ایران بر مبنای فرم ظاهری و شکل نهایی آنهاست.

سفال‌های ماهنشان

در بررسی سفال‌های ماهنشان علاوه بر بررسی و مقایسه سفال‌ها با سفال‌های محوطه‌های کاوش‌شده در غرب و شمال غرب، سعی شده از یافته‌های سفالین دیگر مناطق کاوش‌شده تحت حکومت ساسانیان، از جمله شمال بین‌النهرین، مرکز و شمال شرق ایران نیز استفاده شود. از مهم‌ترین محوطه‌های کاوش‌شده دوره ساسانی که سفال‌های ماهنشان با یافته‌های سفالین آنها مقایسه شده، می‌توان به تخت سلیمان، قلعه یزدگرد، خوره، آشنکوه، تورنک‌قره، چال‌ترخان، تل ماهوز، تل ابوشریفه، کیش و بوقوتیات اشاره کرد. سفال‌های ساسانی ماهنشان به دو نوع معمولی و لعاب‌دار تقسیم می‌شود (خسروزاده، عالی، بی‌تا: ۴۹).

سفال‌های معمولی

خمیره سفال‌های معمولی به رنگ‌های نخودی، قرمز، قهوه‌ای، نخودی مایل به قهوه‌ای، قرمز نارنجی و نخودی مایل به قرمز است و اغلب سفال‌ها خمیره‌ای به رنگ قرمز یا نخودی دارند. از شاموت نرم و ریز و متوسط و کاهی درشت و خرده‌آهک و در موارد بسیار کم از مواد گیاهی برای استحکام‌بخشی به گل سفال‌ها استفاده شده است. سفال‌ها عنوان کلی سفال‌های دوران تاریخی معرفی گردیده‌اند. هدفی که در این پژوهش دنبال می‌کنیم، پی‌بردن به گونه‌های مختلف و طریقه ساخت و طبقه‌بندی حرفه‌ای از این سفال‌ها در منطقه موردنظر است. ازجمله بررسی‌هایی که در این پژوهش با آن مواجه هستیم، چگونگی ساختار و فرم شکل‌گیری سفال‌های ساسانی منطقه غرب و شمال غرب و نوع مواد به‌کاررفته و کاربرد مختلف این اشیا است. روش به‌کار برده در این پژوهش کتابخانه‌ای بوده و به صورت توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است.

پیشینه پژوهش

تاریخ‌نویسان و باستان‌شناسان غنوسا سفال‌ها را در هر دوره تاریخی به‌عنوان یک نمونه از اشیای یافت‌شده بررسی کرده‌اند. نگاه پژوهشگران اغلب توصیفی بوده و اکثرا آنها را به صورت تکی توصیف کرده‌اند و شکل و ساختار آنها به‌ویژه نقوشه ساختاری سفال‌ها که به صورت مستقیم روی کارکرد اثر می‌گذارد، مورد توجه قرار نگرفته است. در سال‌های اخیر مطالعات پراکنده‌ای درباره این اشیا انجام شده است که در میان این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله علمی علیرضا خورزاده با عنوان «توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوران اشکانی و ساسانی منطقه ماهنشان (نجران - خمسه‌وزاد، پی‌تا) که در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی منتشر شده، اشاره کرد. در این مقاله هدف مطالعه، طبقه‌بندی و توصیف سفال‌های ساسانی منطقه ماهنشان زنجان است که جزئی از محوطه‌های غرب و شمال غرب ایران به حساب می‌آید. اشاره به ویژگی‌های ظاهری سفال‌ها اصلی‌ترین اطلاعاتی است که می‌توان به دست آورد. لازم است به مقاله بهزاد جاوی با عنوان «بررسی و مطالعه سفال‌های ارائه‌شده دوره ساسانی در محوطه قلعه کوری رماوند» (جاوی، ۱۳۹۶)، یعقوب محمدی‌فر و عباس مترجم با عنوان «حولیان: دوره ساسانی است در آبادان ایلام» (محمدی‌فر، مترجم، ۱۳۹۰) و مقاله پژوهشی یونس یوسف‌وند و فرشاد مریمی با عنوان «کاغذکاری و تحلیل کاربری محوطه موسوم به قلعه سام در ولایت ایرانی ماسبذان استان ایلام» که در شماره ۴ مطالعات باستان‌شناسی منتشر شده است، اشاره کنیم. نتیجه این مطالعه ارائه طبقه‌بندی روشنی برای سفال‌های این دوره در منطقه غرب و شمال غرب ایران بر مبنای فرم ظاهری و شکل نهایی آنهاست.

سفال‌های ماهنشان

در بررسی سفال‌های ساسانی